

چکیده

است. انتخابات از نگاه فقه، نوشته [روح‌الله شریعتی](#)، کتابی در عرصه [فقه سیاسی](#) نویسنده در این اثر به بررسی مبانی فقهی انتخاب کارگزاران و نظام سیاسی از سوی مردم می‌پردازد. این کتاب در چهار بخش تنظیم شده است: کلیات، مبانی فقهی انتخابات، عرصه‌های انتخابات (رفراندوم، انتخاب قانون‌گذار و حاکم)، و مسائل انتخابات.

شریعتی با استناد به قرآن، سنت، عقل و سیره معصومان، مشروعیت رأی اکثریت، مشورت و بیعت را بررسی کرده و انتخابات را نمونه‌ای از بیعت می‌داند. او بر عدم تحمیل نظر حاکم و لزوم مشورت با مردم تأکید می‌کند و رفراندوم را در صورت مخالفت نداشتن با احکام الهی مشروع می‌داند. همچنین، او انتخاب قانون‌گذار و حاکم را با مشارکت مردم و نخبگان ترجیح می‌دهد و شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان را بر اساس فقه تحلیل می‌کند.

معرفی و ساختار کتاب

است که مبانی و مستندات فقهی انتخابات از نگاه فقه، کتابی در عرصه [فقه سیاسی](#) انتخاب کارگزاران از سوی مردم را بررسی می‌کند. بررسی فقهی انتخاب حاکم کشور، قانون‌گذاران، مدیران و کارگزاران، و در نهایت شکل نظام سیاسی کشور، از مسائل فرعی عضو هیئت علمی گروه فقه سیاسی این کتاب است. نویسنده این اثر [روح‌الله شریعتی](#) و [حقوق و وظایف](#) پژوهشکده علوم و اندیشه اسلامی است و [قواعد فقه سیاسی](#) از دیگر آثار او در حوزه فقه معاصر به شمار می‌آید. کتاب [غیرمسلمانان در جامعه اسلامی](#) انتخابات از نگاه فقه را پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی در سال ۱۳۹۴ ش در ۳۹۲ صفحه منتشر کرده است.

مباحث اصلی کتاب در چهار بخش سامان یافته است. فهرست مطالب و مقدمه کتاب در ابتدا و کتاب‌نامه و نمایه‌ها در پایان قرار دارد. نویسنده در بخش اول به مفاهیمی از قبیل [فقه سیاسی](#)، انتخابات، رفراندوم، مشورت و دموکراسی و به کلیاتی مانند تاریخچه انتخابات، انواع مشارکت و نظام‌های انتخاباتی می‌پردازد (ص ۲۹-۶۹) و برگزاری انتخابات را تنها برای اموری مجاز می‌داند که مخالف شرع، عقل، عرف و مصالح عالیه کشور نباشد (ص ۶۰). او بخش دوم کتاب را به مبانی فقهی انتخابات اختصاص داده و اعتبار رأی اکثریت، شورا و بیعت را بررسی کرده است (ص ۷۵-۱۲۵). مفصل‌ترین بخش کتاب به بخش سوم اختصاص دارد و در سه فصل، عرصه‌های مهم انتخابات یعنی رفراندوم، انتخاب قانون‌گذار و انتخاب حاکم مورد مطالعه قرار می‌گیرد (ص ۱۲۹-۲۹۵). مسائل مختلف انتخابات، از جمله شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شونده در بخش آخر کتاب بررسی می‌شود (ص ۲۹۹-۳۵۸).

شریعتی در این کتاب، پس از بیان موضوعات، به مستندیابی فقهی می‌پردازد. او در هر بخش، جنبه‌های مثبت و منفی هر موضوع را با استناد به ادله و شواهد مربوط به هر طرف بررسی کرده، در نهایت دیدگاه خود اثبات می‌کند.

مبانی فقهی انتخابات

در بخش دوم کتاب، مبانی فقهی مهم انتخابات، یعنی اعتبار رأی اکثریت، مشورت و بیعت بررسی شده است.

مشروعیت رأی اکثریت

شریعتی برای اعتباربخشی به رأی اکثریت، به قرآن، سنت، سیره عملی پیامبر(ص) و استناد می‌کند. او معتقد است، (ائمه(ع)، حکم عقل و عناوین ثانوی (مانند [حفظ نظام](#) آیاتی از قرآن که بر پیروی نکردن از اکثریت اصرار دارد، مربوط به امور غیبی (مانند صفات و افعال خدا، خصوصیات قیامت و قضا و قدر الهی) است و شامل مسائل سیاسی و (اجتماعی نمی‌شود (ص ۷۷-۸۷).

معتبر بودن مشورت

به اعتقاد نگارنده، انتخابات موضوع به‌روز شده و سازمان‌یافته مشورت همگانی است که در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده و مشروعیت آن مسلم است. با این حال نویسنده با ادله متعددی چون آیات، روایات، سیره و بنای عقلا بر مشروعیت آن استدلال می‌کند. مطابق نقل نویسنده، برخی فقیهان عمل به مشورت را بر حاکم لازم نمی‌دانند، اما نویسنده که احتمال درستی نتیجه مشورت را از نظر حاکم بیشتر می‌داند، عمل به مشورت را بر حاکم لازم می‌شمارد (ص ۸۸-۱۰۳).

انتخابات نمونه‌ای از بیعت

شریعتی با [تنقیح منایط](#) مشروعیت بیعت (که در زمان معصومان رواج داشته) بر مشروعیت انتخابات، استدلال کرده است (ص ۱۲۶). او بیعت را عقدی لازم‌الوفا می‌داند که مردم بر پیروی و اطاعت، و حاکم بر تدبیر امور آنها بیعت می‌کنند (ص ۱۲۰). به نظر مؤلف اگر چه امام علی(ع) به طور مستقیم از سوی پیامبر(ص) و خدا برای خلافت برگزیده شد، ولی حاکمیت او، تنها پس از بیعت مردم با او منعقد شد (ص ۱۱۶).

روش‌های تصمیم‌گیری در موضوعات مهم

نویسنده در بخش دوم کتاب، روش‌هایی را برای تصمیم‌گیری در موضوعات مهم سیاسی بررسی می‌کند.

عدم تحمیل نظر فرد در شریعت

به نظر نویسنده، در شریعت، اصل بر عدم تحمیل نظر فرد است و تنها در موارد استثنا و با توجه به شرایط جامعه، تحمیل نظر مشروعیت دارد. نویسنده با بررسی دلایل مشروعیت تحمیل نظر حاکم یا عدم مشروعیت آن به این نتیجه رسیده است که به طور کلی دین با تحمیل نظر حاکم (معصوم باشد یا غیرمعصوم) سازگار نیست، بلکه با عدم تحمیل نظر او همسو است؛ زیرا در حکومت‌داری معصومان همواره با افراد مختلف مشورت می‌شد و در روش آنان تحمیل نظر و بی‌توجهی به نظر افراد، به ویژه نخبگان جامعه، مشاهده نمی‌شود. همچنین او معتقد است، فلسفه بسیاری از موضوعات مانند مشورت، اعمال

نظر برخاسته از جمع و استفاده از نظر دیگران در حکومت است و این امر با تحمیل نظر حاکم سازگار نیست (ص ۱۳۴-۱۳۹)

رفراندم (همه‌پرسی)

به نظر نگارنده از آنجا که رفراندم مخالفتی با احکام الهی نداشته، با ساختار سیاسی جوامع اسلامی تناسب دارد، مورد پذیرش جوامع اسلامی قرار گرفته است. وی دلایل مشروعیت رفراندم را چنین برشمرده است: تأکید کتاب و سنت بر مشورت، شبیه بودن رفراندم به نوعی قانون‌گذاری، قاعده لزوم وفای به عقود (اوفوا بالعقود)، سیره معصومان (ع)، قاعده سلطنت (الناس مسلطون علی اموالهم)، اصل عدم ولایت بر غیر، همچنین بر فرض عدم جواز رفراندم به عنوان حکم اولی، با استفاده از عناوین مختلف ثانوی مانند مصلحت و حفظ نظام می‌توان مشروعیت رفراندم را جایز، بلکه لازم دانست. همچنین در مواردی می‌توان از رفراندم و عرف که منبع شناخت موضوع احکام است، بهره گرفت (ص ۱۴۰-۱۵۵)

رفراندم در شکل نظام سیاسی

پس آنکه مؤلف رفراندم را مشروع دانست، دیدگاه اسلام را درباره تعیین شکل نظام سیاسی بیان می‌کند. او برای این منظور دو فرض «وجود ساختار مشخص» و «عدم وجود ساختار مشخص» را با ذکر ادله مربوط به آنها بررسی کرده، با استناد به دلایل ذیل چنین نتیجه می‌گیرد که فرض دوم سازگاری بیشتری با دیدگاه اسلام دارد: بر انحصاری بودن شکل حکومتی پیامبر (ص) نصی وجود ندارد؛ شکل حکومت از موضوعات عرفی و عقلایی است که با تغییر زمان و مکان متفاوت می‌شود؛

شکل حکومتی حتی در صدر اسلام تغییر کرد؛

نصوص و اصولی که تا حدودی ما را به شکل حکومت راهنمایی می‌کند، با شکل‌های مختلفی از حکومت‌ها سازگار است و تنها یک شکل حکومت را مشخص نمی‌کند (ص ۱۵۶-۱۷۰).

انتخابات غیرمستقیم (واگذاری انتخاب به نخبگان)

یکی از روش‌های تصمیم‌گیری در موضوعات مهم واگذاری آن به افراد نخبه است. البته نویسنده این روش تصمیم‌گیری را، نه در بخش سوم کتاب، که در بخش نخست (بخش کلیات) بررسی کرده است. نویسنده با استناد به آیه فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ، و با تکیه بر روایات، عقل و سیره عقلا معتقد است، می‌توان انتخاب کارگزاران حکومتی را به نخبگان جامعه واگذار کرد (ص ۴۳-۴۷)

انتخاب قانون‌گذار

روح‌الله شریعتی پس از بیان فواید قانون‌گذاری و بیان تقسیم‌های مختلف برای قوانین، حق قانون‌گذاری را تنها شایسته خدا می‌داند. او در ادامه دو دیدگاه فقیهان درباره نیازمندی به قوانین بشری (علاوه بر تشریع الهی) را ذکر، دلایل آنها را بررسی می‌کند (ص ۱۷۱-۱۸۱).

دلایل نیازداشتن به قانون بشری و پاسخ از آنها

به گفته نویسندگان برخی از فقیهان معتقدند با وجود تشریع خدا، به قانون بشر نیازی نیست. دلایل آنها چنین است:

قانون‌گذاری مخصوص خدا است (ص ۱۸۲-۱۸۳). «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» طبق آیات قرآنی مانند از نظر مؤلف این دلیل تنها در صورتی صحیح است، که قوانین بشری در عرض قوانین خدا دانسته شود. اما در صورتی که در طول قوانین الهی باشد، اشکالی به وجود نمی‌آید (ص ۱۹۸).

و روایات معصومان (ع) شریعت «وَلَا رَظَبٍ وَلَا تَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابِ مُبِينٍ» طبق آیاتی مانند کامل است و حکم تمام چیزهایی که انسان به آنها احتیاج دارد، در دین وجود دارد (ص ۱۸۳-۱۸۴). به نظر نویسندگان قوانین دینی مربوط به شرعیات است و در آن حوزه جامع و کامل است، اما قوانین بشری برای قوانین عرفی است (ص ۱۹۸).

قانون‌گذاری بشری با شریعت تنافی دارد (ص ۱۸۶-۱۸۸). به نظر نویسندگان چنین منافاتی ثابت نیست (ص ۱۹۹).

دلایل نیازمندی به قانون بشری

نویسندگان که به مشروعیت و ضرورت قانون‌گذاری باور دارند، دلایل ذیل را در تأیید مشروعیت و ضرورت قانون‌گذاری ذکر می‌کنند: بنای عقلا، تأکید اسلام بر شورا و مشورت، عدم ورود شرع در برخی از حوزه‌ها، برنامه‌ریزی و مدیریت در جهت اجرای قانون الهی، و هرج و مرج، ضرورت تطبیق موضوعات بر قواعد، عملی‌شدن جلوگیری از اختلال نظام، امر به معروف و نهی از منکر و تعاون بر نیکی و تقوا (ص ۱۸۸-۲۰۶).

روش‌های تعیین قانون‌گذاران

اگر چه قانون‌گذار می‌تواند از سوی حاکم منصوب شود و سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) بر درستی آن دلالت می‌کند، اما به نظر نویسندگان، انتخاب قانون‌گذار از سوی مردم، آثار و فواید بهتری دارد؛ آثاری مانند ارتقای سطح قانونمندی مردم، ارتقای رضایتمندی مردم، وحدت و حمایت ملی از دولت، بهره‌مندی جامعه از آرا و اندیشه‌ها و ارتقای رشد سیاسی جامعه. شریعتی دلایل زیر را برای این دیدگاه خود بیان کرده است:

آیات و روایاتی که بر اهمیت شورا و مشورت با مردم تأکید می‌کند؛

روایات دال بر مسئولیت‌داشتن عموم مردم، مانند «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»؛

قاعده سلطنت «الناس مسلطون علی اموالهم»؛

قاعده ولایت نداشتن غیر؛

قاعده «مَنْ لَهُ الْغَنَمُ فَعَلَيْهِ الْغُرْمُ»؛

مصلحت و حفظ نظام (ص ۲۰۷-۲۲۸)

به نظر شریعتی حتی در حکومت معصوم، انتخاب قانون‌گذار از سوی مردم، بر انتصاب او از جانب معصوم ترجیح دارد؛ از این رو در حکومت نایب امام یا حکومت عادل غیر فقیه نیز انتخاب قانون‌گذار از سوی مردم جایز خواهد بود. او معتقد است، در حکومت جائز که مشروعیتی ندارد، در صورتی که انتخاب قانون‌گذار از سوی مردم، منجر به کاهش ظلم حاکم شود، این کار واجب است (ص ۲۴۱-۲۴۳)

انتخاب حاکم

مؤلف پس از بیان روش‌های تعیین حاکم در بین مسلمانان (شیعه و اهل سنت) و اشاره‌ای به مبحث «به کارگیری زور در حکومت» و «ضرورت رضایت‌مندی مردم در حکومت»، به نظریه‌های فقهی حاکمیت در عصر غیبت پرداخته است (ص ۲۴۴-۲۶۸)

کیفیت تعیین حاکم (بر مبنای ولایت عامه فقیهان)

نویسنده برای تعیین حاکم بر مبنای نظریه ولایت فقیه، دو نظریه «انتصاب» و «انتخاب» را همراه با مستندات هر یک بیان می‌کند. وی از جمله دلایل نظریه انتصاب را [مقبوله عمر بن حنظله](#)، [مشهوره ابی‌خدیجه](#)، توقیع امام زمان (وَأَمَّا الْخَوَاطِئُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ حَدِيثِنَا) و دلیل عقل برمی‌شمارد. همچنین دلایل او برای نظریه «انتخاب» عبارت‌اند از: حکم عقل، قاعده سلطنت، احترام به قراردادهای اجتماعی، نایب گرفتن (استنباه)، ادله مشروعیت شورا، بیعت، بنای عقلا، خطابات اجتماعی قرآن و خلافت الهی انسان (ص ۲۶۹-۲۸۷)

روح‌الله شریعتی نظریه انتخاب را بر نظریه انتصاب ترجیح داده است؛ زیرا او معتقد است، بنا بر نظریه انتخاب، برای اعمال ولایت بین مرحله جعل و تعیین حاکم انفکاک صورت نمی‌گیرد. همچنین در این دیدگاه، به نظر مردم که مستقیم یا با واسطه به حاکم رأی می‌دهند، اهمیت داده و دارای اثر شرعی دانسته می‌شود. البته معتقدان این نظریه نیز ترجیح می‌دهند انتخاب حاکم توسط گروهی خبره و عالمانی که مردم آنان را پذیرفته‌اند، صورت بگیرد که هم نظر صاحب‌نظران رعایت شده باشد و هم تبلیغات، تأثیر کمتری بر انتخاب‌کنندگان داشته باشد. با این حال به باور او، در فقه روش خاصی برای انتخاب حاکم پیش‌بینی نشده است و طبق قاعده باید از روش‌های عقلی و عرفی که عقلا بر پایه زمان و مکان انتخاب می‌کنند، کمک گرفت (ص ۲۹۳)

مسائل انتخابات

بخش پایانی کتاب به بررسی برخی مسائل مربوط به انتخابات اختصاص دارد. مخفی یا علنی بودن رأی، تبلیغات انتخاباتی، حوزه‌های انتخاباتی، نظارت بر انتخابات، حضور احزاب

در انتخابات و تبیین حکم شرعی انتخاب به عنوان فعل مکلف، از فروعات مرتبط با انتخابات است که نویسندگان آنها را از منظر فقهی بررسی می‌کند (ص ۳۳۶-۳۵۶)

شرایط انتخاب‌کنندگان

به نظر نگارنده، بلوغ، عقل و قدرت از شرایط عام انتخاب‌کنندگان است. ادله‌ای که او برای ادعای خود به آنها استناد کرده، عبارت‌اند از: عقل، بنای عقلا، تلازم حق و تکلیف و قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم». او در ادامه شرایط دیگری مانند سن، رشد، تابعیت، ذکوریت و اسلام را برای این موضوع بررسی کرده است. او با تمسک به برخی ادله معتقد است، زنان و نیز غیرمسلمانانی که در کشور اسلامی ساکن هستند، حق رأی دارند (ص ۳۰۰-۳۳۳).

شرایط انتخاب‌شونده

به نظر شریعتی، فردی که از سوی مردم انتخاب می‌شود، علاوه بر داشتن شرایط لازم برای انتخاب‌کنندگان، باید توانا، عالم و اصلح باشد و صفاتی را که در روایات برای مشاور ذکر شده، دارا باشد، صفاتی ایجابی مشاور مانند: عقل، تدبیر، نصیحت‌گری و کتمان اسرار، و صفات سلبی مانند بخل، ترس، حرص و برده‌صفتی.

به باور نویسندگان، در مورد اشتراط اسلام برای شخص انتخاب‌شونده باید به اصول روابط مسلمانان با غیرمسلمانان توجه کرد؛ برای مثال اگر انتخاب فرد غیرمسلمان به سلطه او بر کشور اسلامی بینجامد (مانند انتخاب او برای ریاست قوا یا وزارت و یا پست‌های مهم و حساس کشور اسلامی) چنین امری ممنوع است؛ زیرا در شریعت سلطه کفار بر مسلمانان به صورت مسلم نفی شده است (ص ۳۳۴-۳۳۵).